

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم پیرو سوال یکی از دوستان در مورد حسن عباسی لازم شد که این موضوع رو در اینجا تبیین کنم و اما بعد جناب آقای طاهر زاده متاسفانه به بدترین شکل ممکن پاسخ سائل رو دادند. یعنی اینکه ایشون مشخصا این کلیپ مورد نظر رو ندیدن و صرفا با عهد ذهنی خودشون پاسخ دادن و اون هم به بدترین شکل ممکن و خودشون تو این پاسخ چند تا اتهام به حسن عباسی زدن که اصلا قابل اغماض نیست. و به خاطر همین هم که شده، انشاءالله حضورا خدمت آقای طاهر زاده می رسم تا پاسخ بدهند. و اما اشکالات آقای طاهرزاده: اولاً ایشون کلاً زمان سخنرانی رو اشتباه میگویند... این کلیپ در تاریخ ۱۹ آذر ۹۷ هست... نه ۱۶ آذر ۹۲... ثانیاً ایشون رو متهم به روحیه تکفیری کردن که خودش بی اخلاقی است و اگر کلیپ رو ببینید متوجه میشید که هیچ تکفیر و تفسیقی در این کلیپ وجود نداره... و دقیقاً روزنامه های اصلاحاتی از حرف حسن روحانی و دکتر داوری نتیجه ی این رو گرفتن که این آقایون میگویند که علم دینی نداریم... و استفاده کامل هم کردند و آقای داوری هم هیچ موضع مخالفی نسبت به خبر منتشر شده در چند تا روزنامه نگرفتند. ثالثاً ایشون هرگز نگفتند که هر جا تثلیث هست پای مسیحیت وجود داره. ایشون با توجه به گفته های هگل و کانت و دانشمندان غربی که خودشون اذعان کردن گفتند که مبنای علوم غربی تثلیثی هست. ادعای غربی هاست. نه حسن عباسی و با یه جدل خیلی به نظرم بی اخلاقانه مثال به قرآن و کلام پیامبر می زند (شبيه بعضی از اساتید) رابعا تو این کلیپ هیچ حرفی از آقای جوادی برده نشده و مشخصه که آقای طاهر زاده تو فضای ذهنی خودشون هستند. چون آقای عباسی قبلاً در مورد آقای جوادی شبیه یه همچین نظری رو داده بودند که و در اون برهه از زمان واقعا هم وارد بود و از بس امثال عباسی با آقای جوادی جلسات مختلف گرفتن تازه ایشون بیدار شدن و علیه بانک ها جبهه گیری کردن. در ضمن دقیقاً بعد دو روز از گریه کردن آقای جوادی در جلسه درس تفسیر در سال ۹۵، حسن عباسی در سخنرانی شهرستان لنگرود و همچنین تا حال در هر جا که سخنرانی رفته گفته مرجع بزرگ عالم تشیع، نویسنده بزرگترین تفسیر تاریخ آن قدر غصه دار از نظام بانکی هست که سر درس گریه میکنه. به کرات این جمله رو گفته و هزاران بار از مبنای ایشون تو تفسیر تسنیم در سخنرانی ها استفاده کرده و همچنین تمام موضع گیری های مراجع در مورد بانک ها رو بهش اشاره میکنن. اینها همه مدارکش موجوده و جای بسی تاسف داره که آقای طاهرزاده در نهایت بی اطلاعی ایشون رو در حد داعش پایین میارن و یه نیروی انقلابی رو در نهایت تحجر از دایره انقلاب بیرون می کنند و حق این است که بر فرض هم که اشکالات شما وارد باشد که نیست! این مدل اتهام و حکم دادن بدون انصاف و اطلاع

کاملاً بی‌اخلاقی است و شما با کدام حجت شرعی به این راحتی این نیروی انقلابی رو به راحتی هر چه تمام‌تر تا حضيض داعش پایین می‌آرید؟ خامسا خود آقای طاهر زاده به این نکته تذکر می‌دهند که مبنای آقای داوری با مبنای علم دینی رهبری متفاوت است... و این جای تعجب دارد که نمیگن چرا و چطور مبنای آقای داوری به مبنای رهبری ترجیح دارد که ایشان رو اندیشمند بزرگ جهان میدانند؟ در حالی که روزنامه‌های لیبرال و اصلاح طلب تمام زحمات پیامبران رو به گند میکشن و آقای داوری هیچ حرفی نمی‌زنند. سادسا آقای طاهرزاده با حدود ۶۰ سال سن گویا انسان نپخته‌ای هستن که یک دوره بدون اطلاع از یک شخصی که در تیم خودی است دفاع میکنن و مدتی بعد بدون اطلاع‌تر از دفاع خودشون تبری می‌جوئند از کجا معلوم دو روز دیگر از این نظرشون تبری نجوئن؟ انشاءالله که جواب خوبی برای این حالت داشته باشند. سابعا همان مبانی اخلاقی که ایشان بهش ارجاع میدن رو متأسفانه رعایت نمی‌کنند. کما هو ظاهر من کلامه رحمه الله. و من الله التوفیق.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی‌دانم چرا می‌فرمایید بنده آن کلیپ را ندیده‌ام؟ مگر می‌شود با ندیدن و نشنیدن آن سخنان، این اندازه صریح نظر داد؟ آری! همین‌طور که می‌فرمایید سخنرانی در ۱۷ آذر ۹۷ بوده است ولی متأسفانه بعضی از سایت‌ها تاریخ آن را این‌طور نوشته‌اند که عرض شد. عیناً کپی آن را این‌جا می‌آورم: (فیلم/ سخنرانی حسن عباسی در مراسم ۱۶ آذر دانشگاه علامه طباطبایی ۱۶ آذر ۱۳۹۳ □ و بعضی دیگر سال ۹۲ را اشتبهاً اعلام کرده‌اند. ولی در هر حال بحث بر سر محتوای سخنرانی است که بسیار سخنرانی دور از اخلاق و دور از واقعیت است. و اگر بنده نگران ضرری برای انقلاب و جوانان نبودم، هرگز ورودی این‌چنین نمی‌کردم. شما اگر آن سخنرانی را دیده و شنیده باشید، آیا این نوع حمله‌کردن به کسی که در زمان حضرت امام به عنوان عضو شورای انقلاب فرهنگی تعیین می‌شود و همچنان در این مسئولیت هست را، چه می‌بینید؟ به‌خصوص که آقای دکتر داوری از معدود اساتیدی است که قبل از انقلاب به عنوان اساتید انقلابی با مرحوم شهید مطهری حشر و نشرهای طولانی داشته‌اند. کتاب ایشان در مورد انقلاب اسلامی تحت عنوان «انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم» یکی از بهترین توصیفات در رابطه با انقلاب اسلامی است. حال شما که آن کلیپ را دیده‌اید برای من روشن کنید چقدر باید طرف بی‌حساب سخن بگوئید وقتی این‌طوری آقای دکتر داوری را متهم می‌کند به مسیحی‌امت محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله»، و رسماً نظرها را به شخص ایشان معطوف می‌کند؛ در حالی که رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» وقتی که مثلاً از مجوس امت سخن می‌رانند هیچ‌وقت شخصی را معین نمی‌نمایند.

من نگران امثال شماها هستم که خدای ناکرده با تأسی به امثال آقای دکتر عباسی صمیمیتی که باید در بین جامعه باشد، از میان برود. مقایسه کنید طرز سخنان آقای دکتر عباسی را با سخنان اخیر مقام معظم رهبری که در جمع محققان عرصه «تمدن نوین اسلامی»، فرمودند: «کارهای نظری به صورت

قوی و فاخر صورت گیرد تا جوامع نخبگانی تحت تأثیر آن قرار گیرند» و بر ادبیاتِ فاخر برای تبیین نگاه تمدنی تأکید کردند. اگر سخنان ایشان را با طرز گفتار آقای دکتر عباسی مقایسه کنید معلوم می‌شود چرا بنده سخت نگران این نوع ادبیات هستم. و واقعاً می‌پرسم اگر این سخنان، تکفیرگونه نیست، پس چیست؟ حقیقتاً بنده در طرز گفتار آقای دکتر عباسی فاجعه‌ای را در حال شکل‌گیری می‌بینم تا آن‌جایی که ملاحظه کردید ایشان مدعی‌اند بزرگترین کرسی‌های نظریه پردازی ایران را در اختیار دارند و دانشگاه و حوزه را اصلاً به چیزی نمی‌گیرند. این غرور خیره‌کننده و خودبزرگ‌بینی افراطی چه کمکی به جوانان ما می‌کند که بنده به عنوان یک معلم در مورد آن نگران نباشم و سکوت کنم؟

نخبگان فکری عموماً سخنان آقای دکتر عباسی را به چیزی نمی‌گیرند و حتی در حدّ جواب‌دادن به این سخنان و ادعاها هم ورود نمی‌کنند، ولی بنده به عنوان کسی که نگران آینده‌ی انقلابی هستم که باید با وسعتی خاص که تمدن اسلامی مدّ نظر دارد، در تاریخ حاضر شوند؛ وظیفه‌ی دیگری دارم تا همچنان که عرض شد جامعه‌ی جوان و متدین و انقلابی ما گرفتار چنین روحیه‌هایی نگردند و به راحتی گرد در چشم حقیقت بی‌اشند. معلوم است که به گفته‌ی جناب آقای موسی نجفی، جریان اصلاح‌طلبی سعی می‌کند آقای دکتر داوری را برای خود مصادره کند؛ ولی چرا ما آتش‌بیار این معرکه باشیم؟ حقیقتاً اگر با دقت سخنان آقای دکتر عباسی را در آن جلسه استماع فرمایید، هیچ نامی جز داعشی‌گری شیعی نمی‌توان به آن داد. بعضی از عزیزان می‌فرمایند این خصوصیات ژورنالیستی آقای عباسی است، ولی فراموش نکنید که ایشان در آن سخنرانی با یک رقیب سیاسی و حزبی روبه‌رو نشده است.

فرض را بر این بگذارید که حتی دکتر داوری از نظر تحقق علوم انسانی اسلامی تفاوت نظر با رهبر معظم انقلاب داشته باشد، بسیار خوب، جای انتقاد باقی است، ولی اتهام مسیحیت امت پیامبر با این ادایی که در سخنرانی خود در می‌آورد که با حرکت دست خود صلیبی را بر روی سینه می‌انگارد و بعد می‌گوید الله اکبر!! آیا چنین انسانی ارزش آن را دارد که جوانان ما به او دل بسپارند؟! البته همچنان که قبلاً تأکید کردم به هیچ‌وجه آن‌چه آقای دکتر داوری در مورد علوم انسانی می‌گوید با آن‌چه رهبر معظم انقلاب مطرح می‌کنند، یکی نیست و به همین جهت بعد از آن‌که آقای دکتر داوری آن نامه را به جلسه‌ی هم‌اندیشی علوم انسانی ارسال داشتند، دبیر محترم جلسه که بخوبی متوجه‌ی معنای صحبت آقای دکتر داوری بود، با چه احترامی جواب ایشان را داد. به هر حال موضوع علوم انسانی که آیا می‌تواند اسلامی باشد یا نباشد، یک بحث بسیار مهمی است.

همین اندازه به پیام آقای دکتر داوری به جلسه‌ی هم‌اندیشی علوم انسانی توجه فرمایید که ما را به چه چیز دعوت می‌کند وقتی می‌گوید:

«جامعه کنونی ما جامعه توسعه نیافته است. این جامعه همه نیازهای جامعه مدرن را دارد، بی آنکه از توانایی های آن برخوردار باشد. اگر می توانستیم خود را از این وابستگی نجات دهیم و راه رسیدن به جامعه ای را بیابیم که در آن روح دینی یعنی اعتقاد به توحید و عالم غیب و معاد حاکم باشد و مردمانش از سودای مصرف آخرین تکنولوژی های ساخته جهان توسعه یافته آزاد باشند و با همدلی و هماهنگی برای معاش توأم با اخلاق بکوشند، شاید افقی پیش رویمان گشوده می شد. توجه داشته باشیم که علم یک طرح مهندسی ساختنی نیست، یافتنی است. من حرف دیگری ندارم و چیز دیگری نمی توانم بگویم، جز اینکه خوبست که اگر می توانیم به جای بحث درباره علوم اجتماعی اسلامی، در باب شرایط امکان تجدید عهد دینی و بنای یک جامعه اسلامی بیندیشیم و در این راه به لطف پروردگار علیم امیدوار باشیم.»

حقیقتش تنها خواستم بگویم ما در آینده ای زندگی می کنیم که وسعت انقلاب اسلامی بسی گسترده تر از آن چیزی است که آقای دکتر حسن عباسی در مقابل جوانان ما می گشاید. و ما هرچه ضربه خورده ایم از همین روحیه که آقای دکتر عباسی بدان دامن می زند، است. باید به آقای دکتر عباسی گفت: «ما به دنبال جذب نخبگان هستیم که نیاز به ادبیاتی فاخر دارد». بنده نگران آن هستم که از این موضوع غفلت شود، وگرنه هیچ کس بی عیب و بی انتقاد نیست، مگر اولیاء معصوم «علیهم السلام». موفق باشید